



The Qur'an and Orientalism: Motivations, Methods, and Errors of the Orientalists.

Muhammad Askari^۱
Qaim Mahdi^۲

Abstract:

Studies by Orientalists in the field of the Qur'an, although apparently conducted with a scientific and scholarly approach, in many cases have been influenced by Western religious, cultural, and political assumptions. Orientalists such as Nöldeke, Goldziher, and Richard Bell have attempted, relying on historical and linguistic methods, to explain the origin of revelation and the structure of the Qur'an within a human framework. This article, adopting an analytical-critical approach, examines the intellectual and methodological contexts of Orientalist studies and demonstrates that the inability of Orientalists to comprehend the truth of revelation, as well as their disregard for intra-religious foundations, has led to incomplete and sometimes biased interpretations of the Qur'an. In contrast, research by Muslim exegetes and Qur'anic scholars, relying on authentic Islamic sources, has engaged in the logical critique and reassessment of these perspectives, demonstrating, with evidence, the authenticity, preservation, and divine nature of the Qur'an.

Keywords: Orientalism, the Qur'an, Revelation, Nöldeke, Goldziher, Critique of Orientalist Views, Preservation of the Qur'an

1 . Doctorate in Qur'anic Studies and Orientalism; International Research

Scholar; askarishigri@yahoo.com

2 . Master's in Fiqh and Usul, Al-Mustafa International University
mehdiqaim02@gmail.com



قرآن و استشرق؛ انگیزه‌ها، روش‌ها و خطاهای مستشرقان*

محمد عسکری (ممتاز)^۱

قائم مهدی^۲

چکیده

مسئله‌ی اصلی این پژوهش، بررسی مبانی فکری و روش‌شناختی مستشرقان در مطالعات قرآنی و ارزیابی علمی ادعاها و شبهاتی است که آنان درباره منشأ، ساختار و صیانت قرآن کریم مطرح کرده‌اند. با آن‌که آثار شرق‌شناسان در ظاهر با رویکرد پژوهشی و تاریخی نگاشته شده، اما تحلیل دقیق آن‌ها نشان می‌دهد که بخش قابل‌توجهی از این مطالعات بر پایه پیش‌فرض‌های الهی‌ناشناسانه، نگاه تاریخی - انتقادی غربی، و زمینه‌های فرهنگی و سیاسی شکل گرفته است. مستشرقان برجسته‌ای مانند نولدکه، بلاشر، گلدزیهر و مونتهگمری وات، با تکیه بر روش‌هایی چون تحلیل متن، تاریخ‌گذاری سوره‌ها، مطالعه قرائات و مقایسه میان مصاحف صحابه، کوشیده‌اند تا منشأ وحی را به تجربه‌ای بشری فروکاهند و زمینه تردید در صیانت قرآن را فراهم آورند. هدف این تحقیق، نقد روش‌مند دیدگاه‌های مستشرقان و نشان دادن ناسازگاری این آراء با منابع اصیل اسلامی و شواهد تاریخی معتبر است. این پژوهش با روش تحلیل محتوای انتقادی و بررسی تطبیقی، ضمن استخراج مهم‌ترین گزاره‌های استشرافی در باب جمع و تدوین قرآن، اختلاف قرائات و تاریخ‌گذاری سوره‌ها، آن‌ها را با داده‌های علوم قرآنی، سنت نبوی و گزارش‌های متقدم تاریخی مقایسه می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بسیاری از ادعاها مستشرقان از ضعف درک مفهوم وحی، عدم آشنایی کافی با علوم قرآنی، اعتماد افراطی بر فرضیات تاریخی و برداشت‌های گزینشی از متون اسلامی ناشی شده است. بررسی موردی آثار نولدکه، بلاشر و گلدزیهر آشکار می‌سازد که ادعاها آنان درباره تحریف، عدم تدوین قرآن در عصر نبوی، یا ساختگی بودن اختلاف قرائات، فاقد پشتوانه نقلی و تاریخی معتبر است و با مبانی جمع، ضبط و تواتر قرآن ناسازگار می‌باشد. نتیجه آن‌که مطالعات استشرافی، علی‌رغم نقشی که در توجه جهانی به پژوهش‌های قرآنی داشته‌اند، از حیث علمی نتوانسته‌اند تصویری دقیق از تاریخ و حقیقت قرآن ارائه دهند؛ و شواهد موجود، اصالت، الهی‌بودن و صیانت قرآن را به‌طور مستدل اثبات می‌کند.

واژگان کلیدی: استشرق، قرآن کریم، وحی، نولدکه، گولدزیهر، نقد دیدگاه مستشرقان، صیانت قرآن

*تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۱۹ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۱۱/۲۵

۱. دکترای قرآن و مستشرقان، پژوهشگر بین الملل (نویسنده مسئول). askarishigri@yahoo.com.

۲. کارشناسی ارشد فقه و اصول، جامعه المصطفی العالمیه، mehdiqaim02@gmail.com.



مقدمه

قرآن کریم به عنوان بنیادی ترین منبع معرفتی و شریعتی اسلام، از نخستین روزهای ظهور تا امروز، کانون توجه اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان بوده است. در جهان معاصر، یکی از مهم ترین جریان هایی که مطالعات گسترده ای درباره قرآن انجام داده، جریان استشراق یا شرق شناسی است؛ جریانی که در ظاهر پوشش پژوهش های علمی دارد، اما در بسیاری از موارد بر پایه پیش فرض ها و چارچوب های فکری غربی سامان یافته است. اهمیت بررسی این جریان از آن جهت است که فهم نادرست مستشرقان از مفهوم وحی، تاریخ قرآن، اختلاف قرائات و سنت اسلامی، به مرور در محافل علمی غرب تثبیت شده و در دهه های اخیر، تأثیر قابل توجهی بر بخشی از دانشگاه ها و مؤسسات پژوهشی کشورهای اسلامی نیز گذاشته است. بنابراین، نقد روشمند مطالعات استشراقی و تحلیل علمی مدعیات آن ها، امروز یک ضرورت معرفتی و هویتی برای پژوهش های قرآنی محسوب می شود.

ضرورت انجام این تحقیق از چند جهت قابل تبیین است: نخست آنکه بخش قابل توجهی از شبهات مطرح شده در فضای رسانه ای و دانشگاهی امروز درباره قرآن، ریشه در آثار مستشرقان دارد؛ از جمله ادعاهای مربوط به جمع و تدوین قرآن، اختلاف مصاحف صحابه، منشأ اختلاف قرائات، و بشری دانستن وحی. دوم آنکه بسیاری از این آثار بر پایه داده های ناقص، تحلیل های یک جانبه یا برداشت های سطحی از منابع اسلامی شکل گرفته اند، در حالی که پژوهش های نوین علوم قرآنی دیدگاه های متفاوت و مستدل تری ارائه کرده اند. سوم آنکه در عصر ارتباطات، بازخوانی انتقادی این آثار برای مخاطبان مسلمان، به ویژه دانشجویان و پژوهشگران، ضرورتی دوچندان یافته است تا با فهمی عالمانه و مستند، در برابر موج شبهات و تحلیل های غیرمنصفانه ایستادگی کنند.

پیشینه پژوهش نشان می دهد که از قرن نوزدهم به بعد، چهره های برجسته ای چون تئودور نولدکه، رژی بلاشر، ایگناز گلدزیهر، کارل بروکلمان، آرثر جفری، مونتگمری وات و مارگولیت، هریک با رویکردهای تاریخی، زبان شناختی و مقایسه ای به مطالعه قرآن پرداخته اند. آثار این نویسندگان، به ویژه «تاریخ القرآن» نولدکه، «نزول و تدوین قرآن» بلاشر، «مذاهب



التفسير الاسلامی» و «العقيدة و الشريعة» گلدزیهر، و تحلیل‌های وات درباره تجربه نبوی، از مهم‌ترین منابع شکل‌دهنده گفتمان استشرافی در قرائت قرآن به‌شمار می‌روند. در مقابل، پژوهشگران مسلمان همچون زنجانی، محمد حسین علی‌الصغیر، محمد غزالی، تقی عثمانی و دیگران با ارائه پاسخ‌های تاریخی، روایی و تحلیلی، به نقد روش‌شناسی و مدعیات مستشرقان پرداخته‌اند. اما با وجود این تلاش‌ها، هنوز خلأ یک پژوهش جامع، تحلیلی و به‌روز درباره انگیزه‌ها، روش‌ها و خطاهای بنیادین مطالعات استشرافی احساس می‌شود.

وجه تمایز تحقیق حاضر در این است که برخلاف بسیاری از مطالعات پیشین که صرفاً به معرفی دیدگاه‌های مستشرقان یا ذکر انتقادات سنتی اکتفا کرده‌اند، این پژوهش رویکردی ترکیبی، تحلیلی و نقادانه اتخاذ می‌کند. بدین معنا که علاوه بر تشریح مبانی فکری و روش‌شناختی استشرق، تلاش می‌شود ادعاهای آنان در زمینه وحی، تدوین قرآن و قرائات، براساس شواهد تاریخی، یافته‌های علوم قرآنی معاصر، و نقد منطقی ساختار استدلالی آنان بررسی گردد. همچنین این تحقیق کوشیده است ادعاهای کلیدی مستشرقان را نه تنها با منابع سنتی اسلامی، بلکه با تحلیل‌های نوین در حوزه تاریخ‌گذاری متن، رسم‌المصحف، علم القراءات، و مطالعات مقایسه‌ای ارزیابی کند؛ امری که در پژوهش‌های پیشین کمتر مورد توجه بوده است.

افزون بر این، این پژوهش نشان می‌دهد که بسیاری از داوری‌های مستشرقان بیش از آنکه نتیجه پژوهش علمی باشد، ریشه در پیش‌فرض‌های فلسفی و الهیاتی غرب دارد؛ مانند انکار ماهیت فراطبیعی وحی، تلقی متن مقدس به‌عنوان محصول ذهن پیامبر، یا پذیرش معیارهای خاص نقد تاریخی غربی به‌عنوان معیار قطعی سنجش متون دینی. آشکارسازی این مبانی، به فهم دقیق‌تر انگیزه‌ها و خطاهای تحلیلی مستشرقان کمک می‌کند و امکان ارزیابی علمی‌تر آثار آنان را فراهم می‌سازد.

درمجموع، این تحقیق می‌کوشد با اتکا به منابع اصیل اسلامی و دستاوردهای جدید علوم قرآنی، تصویری روشن، دقیق و مبتنی بر روش علمی از مطالعات استشرافی قرآن ارائه دهد و در کنار نقد منصفانه این آثار، ظرفیت‌های علمی پژوهش‌های مسلمانان را نیز نشان



دهد. چنین رویکردی می‌تواند گامی مؤثر در ارتقای سطح تحلیل در حوزه نقد استشرق و تقویت بنیان‌های مطالعات قرآنی در فضای علمی امروز باشد.

ناتوانی مستشرقان در پژوهشهای قرآنی

در هنگام بررسی کار علمی مستشرقان در زمینه تحقیق و مستندسازی متن قرآن، درمی‌یابیم که آنان در حقیقت از درک روح واقعی وحی ناتوان بوده‌اند. چه این ناتوانی ناشی از اهداف از پیش تعیین‌شده‌شان باشد یا از عدم توانایی در فهم واقعی منابع اسلامی، به‌هرحال در نگرش‌های تحقیقی ایشان، به‌جای رویکردی صادقانه، انعکاسی از تمایلاتی دیده می‌شود که منابع اسلامی را مشکوک جلوه می‌دهند. (علی الصغیر، المستشرقون والدراسات القرآنية: ص ۸۵)

مستشرقان به‌خوبی آگاه بودند که قرآن نزد مسلمانان چه جایگاه و ارزشی دارد، و تا زمانی که این کتاب بر روی زمین باقی باشد، راه‌های رستگاری و کامیابی بر مسلمانان گشوده خواهند بود. آنان در هر زمانی می‌توانند با راهنمایی آن، جهان را تحت تأثیر خود درآورند. بنابراین، باید این منبع الهی را به‌گونه‌ای به جهانیان عرضه کرد که از نظر صحت و حفظ، هم‌تراز دیگر کتب آسمانی جلوه کند. (علی الصغیر، المستشرقون والدراسات القرآنية: ص ۹۰)

در این راستا، مستشرقان برای ایجاد شک و تردید در ذهن مسلمانان نسبت به قرآن، دو نوع اساسی از اعتراضات را محور تحقیقات خود قرار دادند: نخست، موضوع جمع‌آوری و تدوین قرآن؛ و دوم، اختلاف قرائات قرآنی. این دو اعتراض در زمینه تأیید یا عدم تأیید متن قرآن از اهمیت بنیادی برخوردارند، چراکه هر دو به متن و واژگان قرآن مربوط می‌شوند. واژگان وسیله‌ای برای دستیابی به معنا و مفهوم‌اند؛ اگر در صحت خود واژگان تردید ایجاد شود، قطعیت معنا و مقصود، بی‌معنا خواهد شد. (بروکلمان، تاریخ الادب العربی، ۱۴۰۸)

برای حفاظت از قرآن کریم، تدابیر متعددی در دوران پیامبر اکرم (ص) اتخاذ شد؛ اما با این وجود، در مسیر تدوین قرآن در همان دوران نیز موانعی وجود داشت. اختلاف میان مصحف خلیفه اول از حیث ترتیب و محتوا با نسخه‌های قرآنی برخی دیگر از صحابه، دلایل



اعتماد حضرت عثمان بر مصحف خلیفه اول، و همچنین انکار احتمالی برخی گروه‌ها نسبت به مصحف عثمانی، از جمله موضوعاتی هستند که مستشرقان در قالب اعتراضاتی نسبت به مسئله حفاظت قرآن مطرح کرده‌اند. از دیگر موارد، علت واگذاری کار جمع‌آوری و تدوین قرآن به حضرت زید بن ثابت و همچنین گزارش‌هایی درباره تغییرات و اصلاحاتی در نص قرآن در دوره عبدالملک بن مروان است. این‌ها و ده‌ها شبهه دیگر، محور اصلی انتقادات مستشرقان نسبت به صیانت و نگهداری قرآن مجید را تشکیل می‌دهند. (زنجانی، تاریخ القرآن: ص ۴۹ تا ۶۱)

همچنین اختلاف قرائات که به‌ظاهر نوعی ناهماهنگی در تلاوت قرآن به نظر می‌رسد، توجه ویژه‌ای از سوی مستشرقان به خود جلب کرده است. به‌گفته دکتر محمد حسین علی الصغیر، رویکرد و فهمی که مستشرقان با آن به بررسی مسائل قرآنی پرداخته‌اند، فاصله بسیاری با بصیرت و عمق فکری دارد که مسلمانان با تکیه بر آن، به تبیین و حل این مسائل پرداخته‌اند. در نگاه مستشرقان، اطلاعات کتابشناسی و اصلاح و تصحیح وقایع تاریخی، جایگاهی محوری و درخور تحقیق دارد. آنان سعی کرده‌اند وحی قرآنی را محل تردید جلوه دهند و نگارش و تدوین آن را مسئله‌ای پیچیده و بغرنج علمی معرفی کنند.

در نوشتار حاضر، نگاهی خواهیم انداخت به مفاهیم اساسی و ادعاهای بنیادین اندیشه استشرافی در رابطه با قرآن کریم، و نیز روش فکری و منابعی که مستشرقان، به‌ویژه تئودور نولدکه (Theodor Noldeke)، در این زمینه مورد استفاده قرار داده‌اند. (Noldeke, Geshichte des Qor`ans, p.1 to end (Theoder))

مستشرق آلمانی، تئودور نولدکه، کتابی با عنوان تاریخ القرآن تألیف کرده است که در آن، ضمن تعیین جایگاه تاریخی قرآن کریم، به بررسی مباحث متعدد مرتبط با آن پرداخته شده است. نولدکه در میان طبقه مستشرقان، جایگاه پیشگامی دارد و پژوهشگران بعدی این حوزه بهره فراوانی از آثار او برده‌اند. بلشیر (Blachère) نیز در شیوه تحقیقاتی خود، از نولدکه الهام گرفته است. نولدکه در این کتاب، تلاش کرده است تا با نگاهی عمیق و نسبتاً منحصر به فرد، به موضوعاتی چون ترتیب سوره‌ها و ویژگی‌های متنی قرآن بپردازد.



ابو عبدالله زنجانی (متوفی ۱۳۶۰ هجری) کتاب تاریخ القرآن نولدکه را از میان تألیفات مهم مستشرقان درباره تاریخ قرآن، به دلایل گوناگون دارای اهمیت دانسته است. نولدکه در تحقیق پیرامون تاریخ قرآن، به کتاب عالمی از قرن پنجم هجری، ابو القاسم عمر بن محمد بن عبدالکافی، اعتماد کرده و بر اساس آن، سیر نزول قرآن را پی گیری نموده است. به گفته نولدکه، این کتاب در کتابخانه گدلیگد (God Lygd 674 Warn) نگهداری می شود. او متن قرآن را به دو بخش مکی و مدنی تقسیم کرده است.

ابو عبدالله زنجانی، اعتماد پروفیسور نولدکه بر این کتاب و همچنین بهره گیری او از کتاب نظم الدرر و تناسق الآیات والسور اثر ابراهیم بن عمر بقاعی و نیز کتاب الفهرست تألیف ابن ندیم در تهیه فهرست ها را ستوده است.

در بحث ترتیب سوره های قرآنی، نولدکه سوره فاتحه را نه در میان سوره های مکی جای داده و نه در مدنی؛ شاید در این مورد دچار تردید شده یا علت دیگری در کار بوده است. او با لحاظ ترتیب نزول، آغاز قرآن را از سوره علق دانسته و پس از آن، سوره قلم را ذکر کرده و به همین ترتیب، ترتیب تاریخی سایر سوره ها را تنظیم کرده است.

نولدکه، کتابت را عامل اصلی پدید آمدن قرائات مختلف قرآنی دانسته است. این نظریه بعدها توسط کارل بروکلمان تأیید شد و به صورت گسترده مطرح گردید که در قرائات گوناگون در حقیقت از طریق نگارش و کتابت قرآن گشوده شد، و بر همین اساس، قاریان قرآن در تصحیح قرائات، به طور جدی مشغول و درگیر شدند.

به این ترتیب، به ظاهر نولدکه نخستین مستشرق بود که به طور رسمی و منظم، ایراداتی را نسبت به متن قرآن کریم مطرح ساخت. او با رویکردی تاریخی به متن قرآن نگریست و درباره تدوین، ترتیب و کتابت آن انتقاداتی علمی را پیش کشید که زمینه ساز مطالعات بعدی مستشرقان گردید.

رژی بلاشر (Régis Blachère)

رژی بلاشر مستشرق فرانسوی بود که در سال ۱۹۰۰ میلادی به دنیا آمد. او در رباط (مراکش) تحصیل کرد و در سال ۱۹۳۹ موفق به دریافت درجه دکتری شد. سپس در دانشگاه



سوربن به‌عنوان استاد منصوب گردید. بر اساس برخی منابع، بلاشر همچنین در وزارت امور خارجه فرانسه نیز فعالیت‌هایی داشته است. (بلاشیر، القرآن نزوله تدوین ترجمه و تائیر، (تمهید المترجم ص ۹ و ۱۰)، مترجم: رضا سعادت)

نجیب عقیقی در ذکر آثار وی، به پنج کتاب مهم اشاره کرده است:

۱. المتنبی: حیات و آثار او
۲. برگزیده‌هایی از مشهورترین جغرافی دانان عرب در قرون وسطی
۳. قواعد نشر و ترجمه متون عربی
۴. ترجمه فرانسوی قرآن که بین سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۲ در سه جلد در پاریس منتشر شد

۵. معضل محمد: این کتاب در سال ۱۹۵۳ منتشر گردید.

در حوزه تاریخ قرآن، اثر مشهور و شناخته‌شده رژی بلاشر با عنوان القرآن نزوله و تدوین است. وی در جلد دوم این کتاب، ضمن نگارش مباحث تحقیقی در علوم اسلامی، درباره قرآن سخنانی ناروا اظهار کرده و تلاش نموده است با ارائه مغالطات، زمینه‌ی شک و تردید را نسبت به قرآن کریم ایجاد کند.

با آنکه برخی اساتید بلاشر بر این باورند که وی پژوهشگری میانه‌رو و واقع‌گراست، و در میان مستشرقان از معدود افرادی به‌شمار می‌آید که صاحب نگاهی منصفانه و دارای بصیرتی معتدل است، اما به گفته دکتر التهامی نقره، بلاشر در ایجاد شبهه و تردید پیرامون قرآن، هیچ کوتاهی نکرده است.

وی، بدون توجه به دلایل موجود درباره صیانت متن قرآن، چنین ادعا می‌کند که قرآن در زمان پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله نوشته نشده است. از دیدگاه او، هنگام نزول وحی، پیامبر اکرم در حالت شدیدی از خوف و اضطراب قرار می‌گرفتند و در چنین شرایطی امکان ثبت و کتابت وحی وجود نداشت. افزون بر آن، به‌زعم او، در مدینه بین مسلمانان و یهودیان که در آن زمان بر تمامی ابزار و امکانات کتابت مسلط بودند - تنش و کشمکش شدیدی برقرار بود.



بلاشر از این مقدمات چنین نتیجه می‌گیرد که در دوران نبوت، تدوین کامل قرآن ممکن نبود و صرفاً از طریق حافظه نمی‌شد قرآن را به‌طور کامل حفظ و منتقل کرد. او همچنین این احتمال را مطرح می‌سازد که ممکن است در متن قرآن، الحاقات جزئی‌ای وارد شده باشند که در دوره‌های بعد، به اشتباه، بخشی از قرآن پنداشته شده‌اند.

دیدگاه بلاشیر مبنی بر این‌که پیامبر اکرم ﷺ هیچ‌گونه تلاشی برای حفظ مکتوب قرآن انجام ندادند، و دلایلی که او در این زمینه ارائه کرده، چیزی جز فرضیات و تصورات بی‌پایه نیست که هیچ ارتباطی با واقعیت ندارد. او برای این ادعا نه دلیلی نقلی و تاریخی دارد و نه برهانی عقلی.

پیامبر اکرم ﷺ آن‌گونه که برای حفظ قرآن از طریق حافظه اهتمام ورزیدند، به همان اندازه نیز برای نگهداری آن از راه کتابت، تمهیدات لازم را اندیشیدند.

در نگاه مسلمانان، رژی بلاشر مستشرقی به‌شمار می‌آید که در خصوص متن قرآن، شبهات و تردیدهایی را دوباره زنده کرد که هیچ نشانه‌ای از انصاف در آن‌ها دیده نمی‌شود. شخصی که در مورد منبع قرآنی چنین داوری کند که آن را محمد از کلیساهای راهبان برگرفته، و داستان‌های ذکرشده در قرآن را برگرفته از افسانه‌های رایج در جزیره العرب بداند و آن هم بدون هیچ دلیل یا سند تاریخی بی‌تردید نمی‌توان او را منصف و میانه‌رو دانست. به باور ما، بلاشر مستشرقی متعصب است که در درک حقیقت قرآن ناکام مانده است. خود او نیز به‌روشنی اعتراف کرده است که برای کسی که عرب‌زبان نیست، فهم قرآن با دشواری و تردید همراه است.

گولدزیهر (Goldziher)

گولدزیهر یک مستشرق یهودی‌تبار است که عمدتاً به‌سبب ایراداتی که بر حدیث نبوی وارد کرده، شهرت یافته است. وی در سال ۱۸۵۰ میلادی متولد شد و در سال ۱۹۲۱ درگذشت. او در کتاب مشهور خود «مذاهب التفسیر الإسلامی»، در مقدمه فصل نخست، در بحث قرائات قرآنی، روایت‌های مربوط به سبعة احرف را ساختگی و بی‌اساس دانسته است.

مهم‌ترین اعتراضات گولدزیهر سه مورد زیر است:



۱. نقص و تزلزل در متن قرآن:

به گفته او، متن قرآن برخلاف سایر کتب آسمانی بیش از همه دچار اضطراب، تحریف و عدم ثبات شده است.

۲. منشأ اختلاف قرائات:

وی اختلاف قرائات را نتیجه‌ی رسم الخط مصحف عثمانی می‌داند که فاقد نقطه‌گذاری و اعراب‌گذاری بود، و معتقد است تمامی این قرائات، صرفاً ساخته و پرداخته ذهن انسان‌ها هستند، نه از وحی نشئت گرفته.

۳. تفاوت میان مصاحف صحابه:

او ادعا می‌کند که میان نسخه‌های قرآنی صحابه، اختلافات آشکار وجود داشته است؛ به عنوان نمونه، در مصحف حضرت عبدالله بن مسعود سوره فاتحه و معوذتین (سوره فلق و ناس) وجود نداشت، در حالی که در مصحف ابی بن کعب دو سوره اضافی به نام‌های سوره خلع و سوره حقد گنجانده شده بودند.

دیدگاه گولدزیهر درباره منشأ قرآن:

به نظر گولدزیهر، قرآن مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و دریافت‌های دینی پیامبر اسلام ﷺ است که از دو منبع ناشی شده‌اند:

۱. منبع خارجی: یعنی آموزه‌ها، باورها و داستان‌هایی که پیامبر از تعامل با یهودیان، مسیحیان و محیط پیرامونی خود دریافت کرد.

۲. منبع داخلی: یعنی تأملات و بینش‌های شخصی پیامبر.

او در کتاب خود «العقيدة و الشريعة فی الإسلام» چنین می‌نویسد: «پیامبر عرب، پیامی را ارائه کرد که آمیخته‌ای از معارف و مسائل برگزیده‌ای بود که در نتیجه روابط عمیق او با حلقه‌های یهودی و مسیحی به دست آمده بود. محمد از این افکار به شدت تأثیر پذیرفت و معتقد شد که از طریق آن‌ها می‌توان در دل مردم سرزمینش، احساس دینی اصیلی را بیدار کرد. این تعلیمات، که از عناصر خارجی نشئت گرفته بود، به زعم او، برای اصلاح کشتی زندگی و هدایت آن به سوی رضایت الهی، ضرورتی اساسی داشت. این افکار چنان در وجود او ریشه



دواندند که در ذهنش به باورهای دینی تبدیل شدند، و پیامبر آن‌ها را به عنوان وحی الهی تلقی می‌کرد.»

گولدزیهر مصرّ است که متن قرآن، نسبت به سایر کتب آسمانی، دچار تحریفات بیشتری شده و آن را متنی ناقص‌تر می‌داند. وی در مورد اختلاف قرائات، آن را ناشی از نبود نقطه‌ها و حرکات در رسم‌الخط اولیه قرآن می‌داند و تنها به پنج یا هفت مثال اشاره می‌کند. اما در عین حال، ده‌ها مورد دیگر را نادیده می‌گیرد؛ مواردی که در آن‌ها با وجود امکان قرائت‌های متعدد بر اساس رسم‌الخط محتمل الوجوه، تنها یک قرائت پذیرفته شده است و این خود نشان می‌دهد که اختلاف قرائات، ساختگی و ذهنی نیست، بلکه ریشه در نقل و روایت معتبر دارد. گولدزیهر همچنین تفاوت میان مصحف عثمانی و مصاحف برخی صحابه را بدون هیچ سند و روایتی قطعی فرض می‌کند، و حتی حاضر نمی‌شود این ادعاها را از طریق منابع تاریخی مستند سازد.

پیام پیامبر اسلام (ص) مجموعه‌ای از معارف و مسائل برگزیده‌ای بود که به سبب ارتباطات عمیق ایشان با محافل یهودی و مسیحی، برای ایشان حاصل شده بود. محمد به شدت از این اندیشه‌ها متأثر شد و به این اندیشید که از طریق آن‌ها می‌توان در دل فرزندان وطن، احساس دینی حقیقی را بیدار کرد. این آموزه‌هایی که وی از عناصر بیرونی به دست آورده بود، به زعم او برای آنکه کشتی زندگی بر مدار رضایت الهی مسیر یابد، بسیار ضروری بود. او چنان از این افکار متأثر گردید که این اندیشه‌ها در اعماق وجودش ریشه دواندند و به واسطه‌ی تأثیرات قوی بیرونی، چنان به کنه و حقیقت این نظریات پی برد که این افکار در ذهنش به باور دینی تبدیل شدند و همین آموزه‌ها را وی «وحی الهی» می‌پنداشت و از آن‌ها به عنوان وحی یاد می‌کرد.

گولدزیهر، در ادامه مدعی است که نسبت به دیگر کتب آسمانی، تحریفات در متن قرآن بیشتر واقع شده است و مصرّانه قرآن را در مقایسه با آن‌ها، متنی پر از نقص می‌داند. او پیدایش قرائات مختلف را ناشی از فقدان نقطه‌گذاری و حرکات در رسم‌الخط اولیه قرآن می‌داند و چند نمونه از آن را نیز ذکر می‌کند. اما هم‌زمان از ده‌ها مورد دیگر چشم‌پوشی



می‌کند، مواردی که در آن‌ها با وجود امکان قرائت‌های گوناگون به سبب رسم‌الخط محتمل‌الوجه، متن تنها به یک صورت خاص قرائت شده است و این امر گواه آن است که اختلاف قرائات بر پایه اختراع و گمان نبوده، بلکه بر اساس نقل و روایت معتبر شکل گرفته است.

گولدزیهر همچنین، بدون اتکا بر هیچ سند یا روایت معتبر، اختلاف میان مصحف عثمانی و مصاحف صحابه را قطعی فرض کرده و حتی حاضر نشده است که برای اثبات ادعای خود از منابع تاریخی موثق استفاده نماید.

گوستاو لوبون (Gustave Le Bon)

گوستاو لوبون یک مستشرق فرانسوی است که حتی پیش از گلدزیهر، در سال ۱۸۸۴ میلادی کتابی با عنوان حضارة العرب منتشر کرد. فصل دوم از باب دوم این کتاب، به‌طور ویژه به بررسی قرآن کریم اختصاص دارد. در این فصل، بحثی مفصل درباره جمع و تدوین قرآن و ساختار و نظم آن صورت گرفته است. وی کوشیده است تا قرآن را به تورات و انجیل نزدیک نشان دهد و در عین حال، مضامین قرآنی را با متون دینی هند باستان نیز مقایسه می‌کند.

در جهت رد باورها و تصورات مسلمانان درباره قرآن، او با دیدی کوتاه‌نگرانه به تحلیل برخی واقعیت‌ها پرداخته است؛ از جمله: تسامح یهودیان و مسیحیان نسبت به متون خود، گسترش سریع تعالیم قرآنی در جهان، و وحدتی که قرآن در امت اسلامی پدید آورده است اموری که او با دیدی منفی و تحریف‌شده عرضه می‌کند.

مونتگمری وات (W. Montgomery Watt)

در میان مستشرقانی که قرآن را ساخته و پرداخته ذهن محمد ﷺ می‌دانند، مونتگمری وات از فعال‌ترین چهره‌هاست. در اعتراضات او نیز، همانند بسیاری از مستشرقین دیگر، نشانه‌هایی از تعصب و عناد نسبت به اسلام و قرآن به‌وضوح دیده می‌شود.

"What seems to man to come from outside himself, may actually come from "

Watt Montgomery, Muhammad The Prophet and)his unconscious

(Statesman, p.17



او با بهره‌گیری از شیوه‌ای افسانه‌گونه در استدلال، کوشیده است تا فضایی مصنوعی و غیرواقعی پدید آورد. وات به‌جای تکیه بر دلایل نقلی و شواهد تاریخی مستند، روش استدلال مبتنی بر "امکان عقلی" را برگزیده است. بر همین اساس، او در تضعیف و کوچک‌نمایی منابع بزرگی همچون قرآن و سنت، صرفاً از احتمالات و فرضیه‌ها کمک می‌گیرد.

برای نمونه، در انکار وحی، این احتمال را مطرح می‌کند:

«ممکن است آنچه محمد ادعا می‌کرد که از سوی خدا بر او نازل شده، در حقیقت

حاصل تجربه‌های درونی یا واکنش‌های ذهنی او به محیط پیرامون بوده باشد.»

او بدون هرگونه سند معتبر، و صرفاً با تکیه بر تخیلات عقلی، در پی آن است تا منشأ

الهی وحی و قرآن را زیر سؤال ببرد و آن را محصول ذهن پیامبر معرفی کند.

«شاید آن اندیشه‌هایی که به نظر انسان از بیرون می‌آیند، در حقیقت زائیده ناخودآگاه

خود او باشند.»

او این احتمال را نیز مطرح می‌کند که ممکن است محمد (ﷺ) در اثر سال‌ها تأثیر

عوامل محیطی، چنان از نظر عاطفی دگرگون شده باشند که همین احساسات و هیجانات درونی

به صورت «وحی» جلوه‌گر شده باشند.

چون هدف مستشرقین ایجاد تردید است، از این‌رو در طرح شبهاتی که هیچ پایه علمی

ندارند، تردیدی به خود راه نمی‌دهند چنان‌که مونگمری وات، به نقل از بل (Bell) می‌نویسد:

1. "From an early point in his Prophetic career, ..Muhammad thought

of the separate revelations he was receiving as constituting a single

Qur'an. After he had been a year or tow in Medina, however, he

thought of them as constituting The Book which it was his task to

produce(" . Watt Montgomery, Muhammad at Mecca, p.80)

"قرآن" و "الکتاب" دو چیز جداگانه‌اند. در آغاز رسالت، محمد (ﷺ) چنین

می‌اندیشیدند که وحی‌هایی که بر ایشان نازل می‌شود، در قالب یک "قرآن" گرد خواهند آمد؛ اما



پس از یک یا دو سال اقامت در مدینه، به این اندیشه رسیدند که باید "کتاب"ی تدوین کنند که ارائه آن به امت بر عهده ایشان است.

دیدگاه‌های مونتگمری وات و بل در واقع زمینه‌ساز این ادعاست که قرآن کریم تحریف‌پذیر بوده است در این تفاوت ساختگی میان "قرآن" و "الکتاب" یک گزند پنهان نهفته است که بر اساس آن، محفوظ ماندن قرآن بدون هیچ‌گونه تغییر و تحریف، محل تردید قرار می‌گیرد و این همان هدف نهایی و مقصود تحقیق مستشرقین است.

مونتگمری وات

مونتگمری وات، مسئله‌ی نبودِ سوره‌های فلق و ناس (معوذتین) در مصحف منسوب به حضرت عبدالله بن مسعود را به‌گونه‌ای غیر معمول پررنگ و برجسته می‌سازد.

به نظر او، ابن مسعود این دو سوره را بخشی از قرآن نمی‌دانستند.

همچنین وات درباره‌ی گردآوری و تدوین قرآن در دوران خلافت ابوبکر نیز تردیدهایی مطرح کرده و بر روایات مربوط به آن چندین اعتراض و انتقاد وارد کرده است.

اگر به منابع و مآخذ آثار مونتگمری وات بنگریم، روشن می‌شود که او در پژوهش‌های خود عمدتاً از افکار و دیدگاه‌های خاورشناسان پیشین بهره برده است؛ از جمله:

اِهرمینس، رچرڈ بل، بُهل (Bull)، کاپتانی، گلدتسیهر، جفری، کینس، نیکلسن،

نولدکه، و توری. (Watt Montgomery, Muhammad at Mecca, p.80)

افزون بر این، او از دانشنامه اسلام (Encyclopaedia of Islam) نیز بهره گرفته است.

در فهرست منابع گرچه صحیح بخاری نیز ذکر شده، اما استفاده او از بخاری مستقیم نبوده، بلکه از ترجمه فرانسوی آن بهره برده است. به همین گونه، قرآن کریم را نیز نه از متن اصلی عربی، بلکه از طریق ترجمه رچرڈ بل فهم و تفسیر کرده است.

دی.اس. مارگولیتھ (D.S. Margoliouth)

دی.اس. مارگولیوٹ از خاورشناسانی است که به‌ویژه به آن دسته از متون قرآنی و

احادیث استناد می‌کند که در ظاهر می‌توانند در حفظ و مصونیت قرآن تردید ایجاد کنند.



برای نمونه، او به روایتی از «مسند احمد بن حنبل» استشهد می‌نماید که از ظاهر آن چنین برمی‌آید که برخی آیات از یاد حضرت عایشه رفته بودند. (تقی عثمانی، علوم القرآن، انسائیکلو پیڈیا ریلیجن اینڈ ایتھکس، Vol. 10, p. 543)
در مسند احمد این روایت چنین آمده است:

«لقد نزلت آية الرجم، و أكلناها في صحيفة، فدخل الداجن فأكلها.»

یعنی: «آیهی رجم (سنگسار کردن زانی) نازل شده بود، و ما آن را در یک صفحه نوشته بودیم، اما یک حیوان (بز) وارد شد و آن صفحه را خورد.»

حضرت عایشه گفت: آیه رجم (سنگسار) و آیات مربوط به ده بار شیر دادن برای اثبات حرمت رضاع، نازل شده بودند. این آیات روی کاغذی نوشته شده و در خانه‌ام، زیر تخت قرار داشتند. وقتی رسول خدا ﷺ بیمار شدند و ما درگیر مراقبت از ایشان بودیم، حیوان خانگی ما وارد خانه شد و آن کاغذ را خورد.

اما حقیقت این است که آیاتی که در این روایت از آن‌ها یاد شده، جزء آیات منسوخ التلاوه (آیاتی که قرائت‌شان نسخ شده) هستند. خود حضرت عایشه نیز قائل بودند که این آیات منسوخ التلاوه‌اند؛ زیرا نوشتن آن‌ها روی کاغذ، تنها جنبه یادبود علمی داشت، نه اینکه جزء همیشگی قرآن باشند.

اگر این آیات، که حضرت عایشه آن‌ها را به خاطر داشتند، از نظر ایشان بخشی از قرآن به‌شمار می‌رفتند، بدون تردید تلاش می‌کردند که آن‌ها را در مصاحف رسمی قرآن درج کنند؛ اما در طول زندگی خود، هرگز چنین تلاشی از ایشان دیده نشد.

این امر نشان می‌دهد که از دیدگاه خود حضرت عایشه نیز، آن آیات صرفاً ارزش یادبود علمی داشتند و مانند دیگر آیات قرآن، جایگاهی در مصحف نداشتند. بنابراین، این روایت هیچ خدش‌ای بر اصل محفوظ ماندن قرآن کریم وارد نمی‌کند.

از نگاه مفسران روایت حضرت عایشه از نظر سندی ضعیف است، با اصل تواتر قرآن و وعده الهی در حفظ آن در تضاد است، و از نظر محتوایی نادرست و غیر معتبر به‌شمار می‌آید. از



این رو، چنین روایاتی نه تنها خدشه‌ای بر محفوظ ماندن قرآن کریم وارد نمی‌کنند، بلکه نشانه خلط تاریخی در برخی نقل‌ها هستند.

نتیجه

بررسی گسترده و نظام‌مند دیدگاه‌های مستشرقان درباره قرآن کریم نشان می‌دهد که برخورد آنان با قرآن، در اغلب موارد، برخوردی بیرونی، متن‌محور، تاریخی‌گرایانه و متأثر از پیش‌فرض‌های دینی و معرفتی تمدن غرب بوده است. این رویکرد که بر چارچوب نقد متون مقدس یهودیت و مسیحیت بنا شده، بدون توجه به تفاوت‌های بنیادین سنت اسلامی با آن سنت‌ها، بر قرآن نیز تحمیل گردیده و این امر موجب شده است که بخش عمده‌ای از تحلیل‌ها و نتایج مستشرقان دچار کاستی‌های جدی، خطاهای مبنایی و برداشت‌های سطحی گردد.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مستشرقان برجسته‌ای چون تئودور نولدکه، ایگناز گلدزیهر، رژی بلاشر، مونتگمری وات، گوستاو لوبون و مارگولیت، هرچند تلاش کرده‌اند با بهره‌گیری از روش‌های فیلولوژیک، تاریخ‌پژوهانه و تحلیل تطبیقی به مطالعه قرآن پردازند، اما به دلیل عدم درک جایگاه وحی در اندیشه اسلامی، ناآشنایی با علوم قرآنی و بی‌توجهی به سنت معتبر قرائت و نقل شفاهی، نتوانسته‌اند به فهمی دقیق، عمیق و منصفانه دست یابند. این مسئله سبب شده است که آنان در تحلیل منشأ قرآن، تاریخ جمع و تدوین آن، ساختار مصاحف، اختلاف قرائات و محتوای آن، دچار سوءبرداشت‌های بنیادین شوند.

تحلیل آثار نولدکه نشان داد که وی بر مبنای روش تاریخ‌نگاری انتقادی، به تقسیم‌بندی قرآن به مکی و مدنی، تنظیم ترتیب نزول سوره‌ها و تحلیل ساختار متن روی آورد؛ اما این روش به دلیل بی‌توجهی به اصول مسلم علوم قرآن و اعتماد به برخی منابع غیرمستند، او را به نتایجی نادرست سوق داد. نگاه او به وحی نیز نگاهی کاملاً بشری و تجربه‌گرایانه بود که در آن حقیقت فراشری وحی نادیده گرفته شده است. بر همین اساس، شبهات وی درباره کتابت قرآن در عصر پیامبر و منشأ قرائات، قابل اتکا نیست و ناشی از قرائتی تقلیل‌گرایانه از سنت اسلامی است.

گلدزیهر نیز که از مهم‌ترین چهره‌های استشرق انتقادی به شمار می‌آید، با اتخاذ رویکردی شک‌گرایانه و با استناد گزینشی به برخی گزارش‌های تاریخی، تلاش کرده است اعتبار



متن قرآن را در مقایسه با سایر کتب آسمانی متزلزل جلوه دهد. ادعای او مبنی بر نقش رسم الخط عثمانی در پیدایش اختلاف قرائات، بدون توجه به تواتر قرائی، شرط صحت سند و اصول ده‌گانه قرائت، از نمونه‌های اساسی خطای روش‌شناختی اوست. افزون بر این، گلدزیهر در تحلیل مصاحف صحابه، به‌جای استفاده از منابع معتبر حدیثی و تاریخی، به نقل‌های شاذ و غیرمستند بسنده کرده و از کنار شواهد قطعی درباره وحدت متن قرآن عبور کرده است.

در همین راستا، رژی بلاشر نیز با تأکید بر نبود کتابت در عصر پیامبر و با تفسیر نادرست مفهوم «نزول تدریجی وحی»، نتیجه گرفته است که ضبط کامل قرآن در زمان حیات پیامبر امکان‌پذیر نبوده است. این دیدگاه در تعارض با گزارش‌های متواتر و قطعی درباره وجود کاتبان وحی، عرضه قرآن در سال آخر زندگی پیامبر، و اهتمام بسیار ایشان به حفظ و کتابت آیات قرار دارد. بلاشر در تحلیل ساختار زبان قرآن نیز تحت تأثیر نگاه ادبی - زیبایی‌شناختی غربی بوده و نتوانسته است ویژگی‌های خاص بلاغی قرآن را در چارچوب سنت عربی درک کند. موننگمری وات، برخلاف ظاهر معتدل نوشته‌هایش، در بنیان فکری خود دیدگاهی کاملاً تجربه‌گرایانه دارد که وحی را نوعی «تجربه دینی پیامبر» و قرآن را «بازتاب ناخودآگاه» او می‌داند. این رویکرد که ریشه در الهیات لیبرال مسیحی دارد، نه با تعریف وحی در اسلام سازگار است و نه با شواهد تاریخی انطباق دارد. روش وات بر بهره‌گیری از «امکان عقلی» استوار است، نه بر استناد به دلایل نقلی معتبر؛ از همین‌رو غالب ادعاهای او درباره تدوین قرآن، اختلاف مصاحف، یا نقش پیامبر در تنظیم «الکتاب» فاقد پشتوانه علمی است.

مارگولیت و برخی دیگر از مستشرقان با استناد به روایاتی ضعیف یا منسوخ‌التلاوه، تلاش کرده‌اند که بر امکان وقوع تحریف در قرآن تأکید کنند. اما این‌گونه روایات، چه از نظر سندی و چه از نظر دلالت، فاقد اعتبارند و با اصول قطعی علوم قرآنی در تضادند. تحلیل این پژوهش نشان داد که استناد به این گزارش‌ها نه تنها کمکی به بحث نمی‌کند، بلکه نشان می‌دهد که این گروه از مستشرقان از روش نقد حدیث و قواعد علم درایه بی‌اطلاع بوده‌اند.

در مقابل این رویکردهای استشراقی، کتاب‌ها، پژوهش‌ها و تلاش‌های مفسران مسلمان با تکیه بر سنت معتبر علوم قرآنی، تصویری روشن، مستدل و شفاف از تاریخ قرآن ارائه



کرده‌اند. شواهد قطعی تاریخی، مانند وجود کاتبان وحی، عرضه‌های مکرر قرآن بر پیامبر، جمع قرآن پس از وفات ایشان زیر نظر صحابه حافظ، و تدوین مصحف امام در دوره عثمان، همگی بیانگر آن است که قرآن از همان آغاز با دقتی مثال‌زدنی حفظ و صیانت شده است. همچنین، استمرار سنت قرائت متواتر، ضبط دقیق قرائات، و انسجام اجماعی مسلمانان بر یک متن واحد، نشان می‌دهد که ادعاهای مستشرقان درباره اضطراب متن قرآن با واقعیت تاریخی سازگاری ندارد.

نتیجه کلی این پژوهش آن است که مستشرقان در تحلیل قرآن بیش از آنکه درگیر پژوهشی بی‌طرفانه باشند، در بند چارچوب‌های روش‌شناختی خاص تمدن غرب، نگاه تاریخ‌گرایانه افراطی و پیش‌فرض‌های الهیاتی و فرهنگی خود بوده‌اند. هرچند برخی از آنان خدماتی در زمینه نسخه‌شناسی، تصحیح متون یا معرفی آثار اسلامی داشته‌اند، اما دیدگاه‌های آنان درباره منشأ وحی، تاریخ تدوین قرآن، اختلاف مصاحف و قرائات، از منظر علمی و تاریخی قابل دفاع نیست و عمدتاً ناشی از غفلت نسبت به ساختار معرفتی سنت اسلامی است. در نهایت می‌توان گفت: قرآن کریم، بر اساس شواهد تاریخی، عقلی و نقلی، و بر پایه وعده الهی (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ)، کتابی محفوظ، مصون از تحریف و یگانه متن آسمانی دست‌نخورده در تاریخ بشریت است. تلاش‌های مستشرقان برای ایجاد شک در این حقیقت، هرچند در حوزه آکادمیک بازتاب‌هایی داشته است، اما نتوانسته است کوچک‌ترین خدشه‌ای بر اصالت و استواری این کتاب الهی وارد کند. قرآن همچنان سرچشمه هدایت است و نور آن با وجود همه تلاش‌ها برای تضعیف آن، پایدار و فروزان خواهد ماند.



فهرست منابع

قرآن مجید

۱. ابن حنبل، احمد، مسند احمد بن حنبل، جده: دار المنهاج، ۱۴۱۶ق.
۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر، دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
۳. حمدی، زقزوق محمود، الاستشراق والخلفیه الفکریه للصراع الحضاری، قاهره، دارالمنار، ۱۴۰۹ق،
۴. الدسوقي، محمود، الفكر الاستشراقي، تاريخه وتقويمه، دارالوفاء، مؤسسة التوحيد، بيروت، ۱۴۱۶ق.
۵. رژی بلاشر، در آستانه قرآن، مترجم: محمود رامیار، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ۶، ۱۳۷۹ش.
۶. زمانی، محمد حسن، شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵ش، چاپ سوم.
۷. الشلبی، عبد الفتاح، رسم المصحف والاحتجاج به فی القراءات، جده - عربستان: دار المنارة ۱۹۷۹م.
۸. الصغیر، علی، المستشرقون والدراسات القرآنیة، بیروت: دار المؤرخ العربی، ۱۹۹۹م.
۹. عثمانی، تقی، علوم القرآن، انسائیکلو پیڈیا ریلیجن اینڈ ایتھکس، Vol. 10, p. 543
۱۰. غزالی، محمد، دفاع عن العقيدة والشریعة ضد متاع المستشرقین، جیزه: نهضة مصر، ۲۰۰۵م.
۱۱. گولڈزیهر، ایگناتس، العقیده والشریعة فی الاسلام، بیروت: دار الکتب الحديثة، ۲۰۱۰م.
۱۲. گولڈزیهر، ایگناتس، مذاهب التفسیر الاسلامی، قاهره: مكتبة الخانجي، ۱۳۷۴ق.
۱۳. مسلم بن حجاج القشیری، الجامع الصحیح، قاهره: دارالحديث، ۱۴۱۲ق.



- 14.A.Chaudhary, Orientalism on Variant Readings of the Qur'an: The Case of Arthur Jeffery, p.170
- 15.John Burton, The Collection of the Qur'an, p.VII
- 16.Maculiffe, Jane Dammen, Encyclopedia of the Quran, Brill, Leiden, 2001
- 17.Noldeke, (Theoder), Geshichte des Qor'ans, p.1 to end
- 18.Wans Brough, Quranic Studies, Vol.31, p.44-46, p.204
- 19.Watt Montgomery, Muhammad at Mecca, p.80
- 20.Watt Montgomery, Muhammad The Prophet and Statesman, p.17
- 21.Watt Montgomery, Muhammad The Prophet and Statesman, p.41